

## تاریخ حقوق ایران (قسمت دوم)

محمدعلی اختری<sup>۱</sup>

در شماره قبل، به بحث در زمینه تاریخ، حقوق، اقسام حقوق داخلی، ایران، ایران فرهنگی، ادوار حقوقی در ایران، منابع حقوقی پرداختیم و موضوع را به تاریخ حقوق ایران پیش از اسلام و پس از ورود آریایی‌ها به این سرزمین رساندیم. اکنون در ادامه مباحث گذشته، عصر مادها و هخامنشیان را از این حیث می‌کاویم.

**مقررات حقوق مادها:** در اینجا و در دنباله مبحث مربوط به قانون حمورابی باید اضافه کنم که قبل از حمورابی در حدود سال ۲۱۰۰ ق.م. اُرنامو URNAMMU پادشاه سومر که بر ایلام مسلط شده بود نخستین مجمع‌القوانین جهان را تدوین کرد از جمله مقررات آن این بود که اگر کسی در نزد قاضی شهادت دروغ می‌داد باید معادل نیم من نقره جزای نقدی به دولت می‌داد - متجاوز از ۳۰۰ کتیه سنگی از ۲۳۰۰ تا ۱۷۰۰ ق.م در شوش کشف شده است که نشان می‌دهد احکام و اجرای قراردادهای با سوگند به نام (خدای شوش) تضمین می‌گردید و از دلایل اثبات دعوی یکی آزمایش ایزدی<sup>۲</sup> بوده که شخص

---

۱. سردفتر بازنشسته دفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران و نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران.

با رفتن به داخل رودخانه کارون و سالم بیرون آمدنش حقانیت خود را اثبات می کرد ولی دادگاه آئین دادرسی مدنی کاملاً مدنی بوده (غیردینی و نظامی) که وزیر اعظم و قاضی مرجع صدور رأی بوده‌اند.<sup>۱</sup>

و اما حقوق ایران در دوران تسلط مادها: مهمترین تاریخ نامه‌ای که از سلسله مادی مانده، تاریخ هروُدت است - مادی‌ها بر قسم اعظم سرزمین ایران و آسیای صغیر حکومت کرده‌اند قسمت بزرگتر که شامل خاک ماد بوده تار ی و اصفهان ادامه داشت و به ماد بزرگ معروف است ولی خطه آذربایجان (آنور پاتکان) به ماد کوچک شناخته می‌شود مادی‌ها مردمانی آریایی‌نژاد بودند که در ابتدای قرن هفتم یا آخر قرن هشتم قبل از میلاد، دولت ماد را تأسیس کردند.

مؤسس دولت ماد شخصی به نام دیاکو بود که در ۷۰۸ قبل از میلاد موفق به تشکیل سلسله ماد شد و تا ۶۵۵ قبل از میلاد سلطنت داشت آخرین سلطان آن سلسله آستیاک یا اژدهاگ است که این سلسله در ۵۵۰ قبل از میلاد به دست کوروش هخامنشی منقرض شد - حکومت در ماد ملوک الطوایفی و شاه در رأس دولت قرار داشته و سلطنت موروثی بوده است - ریاست در قبایل پدر شاهی بوده و تعدد زوجات در میان آنها مرسوم بوده و پادشاه مجاز نبوده است که ۵ زن کمتر داشته باشد و زنان پادشاه آن را جزء افتخارات خود می‌دانستند که شوهر آنها دارای زنهای بیشتری باشد<sup>۲</sup> در مورد دیاکو مؤسس دولت ماد (مرگ در ۶۵۵ ق م) گویند رهبری تیره‌ای از مادها را برعهده داشته و بر آن شد که عدل و داد را در میان مردم برقرار کند و اهالی محل اقامت دیاکو برای رفع اختلافات خود، او را به داوری برگزیدند و مردم اطراف هم چون آوازه عدالت‌منشی او را شنیدند اختلافات خود را به او رجوع کردند و سرانجام در یک نشست همگانی به پادشاهی ماد برگزیده شد. بدین وسیله دیاکو از مسند قضاوت به تخت سلطنت رسید - دادخواهان شکایت خود را

۱. تاریخ حقوق ایران، پروفیسور سید حسن امین، صص ۴۵ و ۵۰

۲. تاریخ حقوق ایران، دکتر محمدحسین علی‌آبادی، ص ۸

نوشته و برای شاه می‌فرستادند و پس از صدور رأی به طرفین ابلاغ می‌شد و بلافاصله هم اجراء می‌گردید<sup>۱</sup> مادی‌ها چنان به اجرای قوانین خود پایبند بودند که قانون را لایتغیر و انعطاف ناپذیر می‌دانستند در کتاب عهد عتیق (کتاب دانیال) این مطلب آمده و همین مفهوم از طریق زبان لاتین به صورت ضرب‌المثل به زبان‌های اروپایی منتقل شده است از جمله در زبان امروزه انگلیس دیده می‌شود<sup>۲</sup> از سویی دیگر سازمان اجتماعی مادها قبیله‌ای بوده و اعیان در رأس هرم قدرت و بردگان در قاعده هرم قرار داشته‌اند - تعدد همسر هم معمول بوده و مرد حق داشتن بیش از یک همسر را داشته است<sup>۳</sup> سن قانونی اهلیت استیفاء ۱۵ سال بوده است.<sup>۴</sup>

دولت ماد به همان سرعت که ناگهان به وجود آمد و بالید و به یک امپراتوری وسیع تبدیل شد هم به ناگاه از هم فروپاشید و از صحنه روزگار محو گردید، دولت ماد چنانکه در شرح حال دیاکو آمده است از طرف مردم به خاطر جستجوی عدالت به وجود آمد و انقراض آنها هم به خاطر جستجوی عدالت و به نیروی رعایا بود<sup>۵</sup> زیرا دولت ما در زمان استیاک آخرین پادشاه آن به دولتی زورگو و مستبد و فاسد تبدیل شده بود و به هنگام جنگ با کوروش نواده استیاک نظامیان شورش کردند و از اطاعات استیاک سر باز زده او را دستگیر کرده و به کورش تسلیم نمودند.

دولت ماد از اتحاد شش قبیله آریایی تشکیل می‌شد یکی از آنها طایفه مغان بودند که بعدها عهده‌دار روحانیت و امور مذهبی شدند و دیگری قبیله آریزانت‌ها Arizanter است که نام این قبیله از ترکیب دو واژه آریا (ARYA) و ذنتو (ZANTU) به وجود آمده است که جزء اول آن نشان از آریایی بودن قبیله و جزو دوم به معنای - تخمه، تبار، قبیله یا

۱. تاریخ حقوق ایران، پروفیسور سیدحسن امین، ص ۷۸.

۲. همان مأخذ، ص ۷۹. UNCHANGABLE AS THE LAWS OF THE MEDES AND PERSIANS.

۳. همان مأخذ، ص ۸۰.

۴. اسدالله بیژن، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران باستان، چاپ سرای ۱۳۵۵، ص ۱۲۳، چ دوم.

۵. روزگاران ایران، ج ۱، دکتر عبدالحسین زرین کوب، ص ۴۷، چ دوم، ۱۳۴۷، انتشارات سخن.

دودمان است و در مجموع یعنی (قبیله آریایی).<sup>۱</sup> در این خصوص می‌توان به این موضوع توجه داشت که دیاکو بنیانگذار سلسله مادی پس از آنکه مدتی به عنوان داور به دعاوی ده محل اقامت خود سپس به منطقه اطراف رسیدگی می‌کرد افزونی مراجعان عرصه را بر او تنگ کرد و ناچار به فکر قدرت بیشتری افتاد لذا به طور موقت از اقدام به داوری خودداری کرد و در این مورد فساد جامعه را فرا گرفت ادامه چنین وضعی زندگی را بر مردم ناممکن کرد لذا مادها بر آن شدند که پادشاهی برای جمیع قبایل برگزینند تا بر آنها حکومت کرده و ناظر بر اعمال آنها و اوضاع جامعه مادیان باشد زیرا به قول هرودوت هرگاه نمایندگان تیره‌های گوناگون ماد به شور می‌نشستند تا برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند مردد بودند که چه کسی را به این مقام برگزینند، با وضعیتی که پیش آمده بود مسلم بود که جزء دیاکو دیگری برگزیده نخواهد شد، از این رو در فرجام این رأی‌زنی‌ها همه متفقاً بر آن شدند که دیاکو را به عنوان پادشاه برگزینند.<sup>۲</sup> پس از این گزینش بود که دیاکو دستور داد دیگر مردم شخصاً به او مراجعه نکنند بلکه دادخواهی را نوشته و نزد او بفرستند، دیاکو به شکایات رسیدگی کرده و رأی خود را صادر کرده و به آنان ابلاغ می‌نمود و بلافاصله هم اجراء می‌شد، جهت مراقبت از اوضاع کشور جاسوسانی را که استراق سمع می‌کردند گمارده بود که دیده‌ها و شنیده‌های خود را مستقیماً به او گزارش می‌دادند، اقدام داریوش یکم (۵۲۱ - ۴۸۶) پیش از میلاد پادشاه هخامنشی اقتباس از همین اقدام است.<sup>۳</sup>

دوران هخامنشی‌ها: دوران تسلط این خانواده از ۵۵۸ قبل از میلاد تا ۳۳۱ قبل از میلاد طول می‌کشد.

سلسله شاهان هخامنشی با سلطنت کوروش کبیر آغاز و با شکست داریوش سوم از اسکندر مقدونی در ۳۳۰ ق میلاد پایان می‌یابد.

۱. تاریخ آریاها و مادها، دکتر اردشیر خدادادیان، چ دوم، نشر به دید، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۵۸، به نقل از تاریخ هرودوت.

۳. همان، ص ۱۶۰، ۱۵۹.

در خصوص حقوق زمان هخامنشی‌ها ابتدا باید اشاره کرد که کوروش کبیر مؤسس سلسله هخامنشی محدوده حکومت خود را خیلی بیشتر از سلسله مادها توسعه داد و با فتح تمام آسیای صغیر و بابل و فلسطین و مصر به حکومت سلسله‌های مختلف کوچک پایان داد و امپراتوری وسیعی تشکیل داد که از رود سند تا دریای مدیترانه و از رود سیحون تا خلیج فارس را شامل می‌شد بدیهی است ملل زیادی تحت سیطره کوروش درآمدند ولی سیاست مذهبی کوروش رعایت احوال شخصیه و مذهبی ملل تابعه بود و هیچ وقت نخواست که مذهب رسمی ایران را به ملل تابعه تحمیل نماید و با قبول نظام‌های حقوقی مجزا و مستقل از یکدیگر برای قسمت‌های مختلف کشور شاهنشاهی - به طور کلی تقسیمات کشور و طرز اداره و قضاوت مطابق رسوم و قواعدی بوده که قبل از کوروش وجود داشته و ملل تابعه نه تنها از حیث حقوق خصوصی بلکه از جهت مقررات حقوق عمومی داخلی و تشکیلات مربوط به آن تابع مقررات مخصوص سابق خود بودند.<sup>۱</sup>

داریوش کبیر جانشین کوروش، مجمع‌القوانینی برای تمام مردم آسیای غربی به وجود آورد و قانون دیگری برای مصر فراهم نمود یعنی با تغییراتی در قانون نامه حمورابی و قبول بعضی از مقررات آن، قانون یا کد قانون خود را ترتیب داد و آن را برای مردم آسیای غربی اجباری ساخت البته متصرفات اروپایی هخامنشی و مردم قسمت‌های شمالی و شرقی امپراتوری هم قوانین جداگانه داشته‌اند و اقلیت‌های مذهبی و نژادی در هر جای امپراتوری که بوده‌اند در روابط بین خود از حقوق خصوصی خود پیروی می‌کرده‌اند مانند یهودی‌ها، در مورد یونانی‌های آسیای صغیر که خود مختار بودند به فرمان داریوش حکومت‌ها به طریق دموکراسی عمل می‌کردند و تابع حقوق عمومی و خصوصی خود بودند.<sup>۲</sup>

سلاطین هخامنشی سلطنت خود را هدیه الهی می‌دانستند که به شخص شاه اعطاء

۱. تاریخ حقوق ایران، دکتر محمدحسین علی‌آبادی، صص ۱۷ و ۱۸.

۲. همان مأخذ، ص ۵۱ و ۵۲.

شده بود.<sup>۱</sup>

جامعه ساختار طبقاتی داشت و علاوه بر دادگاه‌های محلی که زیرنظر ساتراپ‌ها در ایالات مختلف برابر احکام دینی اقدام و به اختلافات مردم رسیدگی می‌کردند و در سرزمین پارس و ماد، رسیدگی به دعاوی بین اقوام آریایی شورای هفت‌نفره به عنوان قضات شاهی وجود داشت که قاضیان توسط شخص شاهنشاه و برای مادام‌العمر برگزیده می‌شدند و عزل و نصب آنها هم با شخص شاه بود منبع و مستند قضایی شورای ۷ نفره قضات شاهی آداب و رسوم قومی پارسها و مادها - قوانین و فرمانهای شاهی و احکام قضایی نسل‌های گذشته بود<sup>۲</sup> تقریباً مانند آئین دادرسی و منبع حقوقی سیستم قضایی Comon Low فعلی انگلوساکسونها ولی شاه می‌توانست آرای صادره را نقض کند یعنی قوه مجریه و قضائیه از هم جدا نبود.

کوروش کبیر مؤسس سلسله (فوت ۵۲۹ قبل از میلاد) در سال ۵۳۸ قبل از میلاد به هنگام فتح بابل اولین اعلامیه حقوق بشر جهان را منتشر نمود از جمله، یهودیانی را که ۷۰ سال قبل از بیت‌المقدس اسیر شده و به بابل آورده شده بودند آزاد کرد و آنها را به وطن آباء و اجدادی خودشان برگردانید و کلیه اشیاء نفیسی که از معبد بیت‌المقدس ربوده شده بود به آنها تسلیم نمود و هزینه ساختمان دوباره معبد را هم از خزانه شاهی پرداخت نمود و این عمل موجب شد که در کتاب عهد عتیق (کتاب عزرا و اشعیا) کوروش به عنوان مسیح و نجات‌دهنده قوم یهود تلقی شود.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، صص ۲۵ و ۲۶ و ایران باستان، یوزف ویسهوفر، ترجمه دکتر قمر آریان، چ ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۷۷.

۲. تاریخ حقوق ایران، پروفیسور سیدحسن امین، ص ۸۱ و ۸۲.

۳. نقش ایرانیان در فقه اسلامی، از نگارنده، ص ۵ و ۶.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

استوانه گلی معروف کوزش که در بابل بدست آمده ، نخستین اعلامیه حقوق بشری است

داریوش جانشین کوروش (سلطنت ۵۲۱ - ۴۸۶ ق م.) برخلاف کوروش قوانین خود را در سراسر قلمرو امپراتوری خود از مصر تا هند لازم‌الاتباع اعلام نمود و این قوانین نزدیک ۷۴۰ سال (از ۵۲۱ ق م تا ۲۱۸ میلادی) در قلمرو هخامنشیان و جانشینان بعدی آنها لازم‌الاجراء بود<sup>۱</sup> اصل تساهل و احترام به ملل متنوع در زمان داریوش هم اجرا می‌شد، داریوش در روزهای معین برای مردم بار عام می‌داد و به داوری می‌نشست و این الگوئی شد برای سیستم قضایی دیوان شاهی که پس از اسلام هم در ایران رایج شد - در ابتدای سلطنت هخامنشی مردم چیزی به نام مالیات به دولت پرداخت نمی‌کردند و هزینه دولت از غنائم جنگی تأمین می‌شد ولی در زمان داریوش انواع مالیات‌های ارضی از نقد و جنسی برقرار گردید و مقامی بنام هارتو harto تعیین شد که مسئول عمده گردآوری مالیات از ساتراپی‌ها بود که آن را به مقامی در دولت مرکزی بنام HAMAKARA (همه کاره) تحویل می‌داد اوزان و مقادیر هم در سراسر امپراتوری به صورت یکنواخت درآمد و برای اولین بار سکه طلا بنام خود ضرب نمود بنام دریک یا دریکوس که این نام بعد از اسلام بنام درهم واحد پول تلقی شد. برای هر کدام از معماران و کارگران دستمزدی مناسب تعیین شد و برخلاف دیگر اقوام مانند مصر که با استفاده از بردگان اهرام مصر را می‌ساختند به صاحبان حرف و مشاغل دستمزد می‌پرداختند.<sup>۲</sup>

در زمان هخامنشیان، خویشاوندی از سه طریق حاصل می‌شد: ۱ - نسبی ۲ - سببی و ۳ - عرفی مانند فرزندخواندگی. در مورد وارثی بودن سلطنت - مقرر بود که جانشین بعدی شاه اولاً پسر باشد - ثانیاً فرزند ملکه مقدم بر دیگران است، ثالثاً ارشد اولاد جانشین پدر می‌شد<sup>۳</sup> در خصوص حقوق اداری زمان نیز می‌توان گفت. کسانی که در اداره مملکت با شاه، همراهی می‌کردند به ترتیب اهمیت عبارت بودند: از ۱ - مستخدمین شخص شاه یا درباریان مانند حاجبان - خواجه سالارها - عرابه‌رانان - جامه‌داران - که در نفوذ بر شاه

۱ . تاریخ حقوق ایران، سیدحسن امین صص ۸۴ و ۸۳، به نقل از امستد؛ تاریخ شاهنشاهی ایران،

ترجمه محمد مقدم، ص ۸۵.

۲ . مقاله تاریخچه کار در ایران از نگارنده، مجله کانون سردفتران و دفتریاران.

۳ . تاریخ حقوق ایران دکتر علی‌آبادی، ص ۳۰.



بسیار مؤثر بوده‌اند ۲ - از جمله آنان فرمانده گارد سلطنتی به نام هزار پت<sup>۱</sup> که ذخایر ارتش تحت مسئولیت او بوده است برخی مؤلفین او را نخست‌وزیر یا وزیر بزرگ نامیده‌اند و او هیچ وقت از شاه جدا نمی‌شد ۳ - شورای پادشاه که مرکب از ۷ نفر بوده‌اند. در صورتی که شاهان صلاح می‌دیدند بعضی از کارها را به آن شورا ارجاع می‌کردند ۴ - خزانه‌دارهای ساتراپها - چون هخامنشی‌ها - چندین پایتخت داشتند شوش و پرسپولیس و احتمالاً همدان اسناد نادر و گرانبه‌ای سلطنتی را در این پایتخت تحت مسئولین خزانه‌دار قرار می‌دادند ۵ - بایگان‌های سلطنتی در شوش و تخت جمشید و بابل و همدان که فقط در تخت جمشید سی‌هزار کتیبه گلی از بایگانی آنجا کشف شده و تاکنون تعدادی از آنها خوانده شده است. ۶<sup>۲</sup> - استخبارات یا اداره اطلاعات که مأمورانی از حکومت مرکزی در ساتراپها مراقب حاکمان محلی بودند و به اصطلاح آن را چشم و گوش شاه می‌شناختند. ۷- پُست دولتی که وسیله ارتباط بین نقاط مختلف امپراتوری بوده و در راهها توقفگاه‌هایی وجود داشته که محل استراحت و تعویض اسب مأمورین پست بوده است.<sup>۳</sup>

در برخی مناطق هم با ایجاد تپه‌های مصنوعی و استقرار مأمورین در ارتفاع تپه‌ها با روشن کردن آتش اخبار را از مرکز به مناطق یا بالعکس منتقل می‌کردند، از روزگار پادشاهی داریوش فرمائی به جا مانده است که بنابراین ساتراپ مصری بایستی خبرگان قوانین و حقوق مصر را به شوش بفرستد تا آنها قانون‌های مصری را که قبل از تسلط هخامنشی اجراء می‌شدند مدون نمایند - پارسها در بابل چنان با اطمینان خاطر می‌زیستند که برای مثال مردی به نام باگامیری پسر میتزادات در سال ۴۲۹ پیش از میلاد مزارع غله خود را در نزدیکی نی‌پور برای ۶۰ سال به خانواده بازرگانی به نام موراوش اجاره داده بود<sup>۴</sup>

1. Royal Body: gard.

۲. تاریخچه حقوق کار در ایران، از مؤلف: مجله کانون سردفتران و دفتریاران شماره ۱۸ به نقل از کتاب تاریخ شرایط کار در ایران، مؤسسه تأمین اجتماعی.

۳. تاریخ حقوق ایران، دکتر علی‌آبادی ص ۳۶ تا ۳۸.

۴. تاریخ ایران باستان، ایوانف و دیگران ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران انتشارات دنیا، ص ۸۵ و ۸۴.

## تشکیلات کشوری:

۱ - ساتراپ، این واژه یونانی شده کلمه خشتراپاون KHASHTHARA PAVAN یا شهریان PROTETOR'S OF THE KING که فرمانروای ساتراپی معادل استانداران امروز بود ساتراپ‌های مجاور ممالک خارجی تا اندازه‌ای در روابط دیپلماتیک دارای اختیاراتی بوده‌اند. به جز بابل و مصر باقیمانده امپراتوری هخامنشی ۲۰ ایالت یا ساتراپی بود که هر کدام زیر فرمان یک ساتراپ اداره می‌شد.<sup>۱</sup>

۲ - دبیر، که او را مستقیماً حکومت مرکزی می‌گماشته و کار او بازرسی اعمال مأموران ساتراپ‌نشین و گزارش امور ساتراپی به شخص شاه بوده است.

۳ - فرمانده قلعه مسلط بر مرکز ساتراپی که مأمور حفاظت از مرکز استان بوده است.

۴ - خزانه‌دار ساتراپی که قبلاً به او اشاره شد.

**حقوق عالیله پادشاهی:** ۱ - حق تعیین مجازات با شاه بوده ولی می‌توانسته این حق را به دیگری تفویض کند ۲ - حق تعیین مجازات ۳ - حق تبدیل یا تغییرات مجازات‌ها ۴ - حق عفو<sup>۲</sup>

اصل عدم عقاب بلا بیان در حقوق زمانی هخامنشی رعایت می‌شد و معنی جرم هم در قانون ذکر شده و آن تخلف از قوانین مذهبی و محلی و قوانین شاه بوده.

**انواع جرم‌ها - جرم علیه دولت، جرم علیه شاه و خانواده و مال او و جرم‌های عادی<sup>۳</sup> و سایر جرم‌ها:** ۱ - جرم سیاسی منظور طغیان علیه حکومت ۲ - جرم نظامی مانند فرار از اردوگاه و پیوستن به اردوگاه دشمن ۳ - جرم مستخدم شامل رشوه گرفتن قاضی - حکم بناحق، دفن پادشاه متوفی بدون اجازه شاه زنده ۴ - سوء قصد علیه شاه ۵ - ترک ادب به شاهنشاه، جرم‌های عمومی: پدرکشی و ازاله بکارت که مجازات هر دو اعدام بود.

**انواع مجازات‌ها:** اعدام، زندان، تبعید، مجازات‌های تکمیلی مانند بریدن زبان و

۱. شرق نزدیک در تاریخ، فیلیپ حتی، ترجمه دکتر قمر اریان، چ بنگاه، ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۰، ص ۷۵.

۲. تاریخ حقوق ایران، دکتر علی‌آبادی ص ۶۰ و ۶۵

۳. تاریخ حقوق ایران، دکتر علی‌آبادی ص ۷۱.

گوش و در آوردن چشم، ضبط اموال، زنجیر کردن، در معرض تماشای مردم قرار دادن مجرم، حقوق خصوصی: ۱- نامزدی ۲- ازدواج با غیرایرانی معمول بوده ۳- دادن جهیزیه به دختر ۴- ازدواج با محارم ۵- تعدد زوجات ۶- طلاق

**مالکیت:** ۱- اموال منقول شامل اشیاء و بردگان ۲- مالکیت اموال غیرمنقول سایر عقود مانند هبه غیرمعمول به موجب کتیبه‌ای داریوش ۱۰۰ گوسفند به دخترش بخشیده، اجاره اشخاص، (کتیبه‌های گلی تخت جمشید)، ودیعه و خرید و فروش.<sup>۱</sup>

در خاتمه این بحث باید اضافه نمود که مشخصه عمده شاهان نخستین سلسله هخامنشی عدالت‌پیشگی آنها بود و این موضوع یادآور مشخصه عمده سلاطین پیشدادی است که هر دو سلسله از آریایی‌ها بوده‌اند. خلاصه‌ای از فرمان کوروش کبیر پس از گشودن بابل را می‌آورم که دلیل آزادگی و عدالت‌منشی او بوده است ناگفته نماند که عده‌ای این اعلامیه را اولین اعلامیه حقوق بشر نامیده‌اند این بیانیه روی گل پخته استوانه‌ای شکل به طول ۴۵ سانتی‌متر به خط میخی و زبان بابلی نوشته شده بود و در حفاریات بابل کشف شده و اصل آن در یکی از موزه‌های بریتانیا نگهداری می‌شود. کوروش در این بیانیه می‌گوید:

«منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، قوی شوکت، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار کشور، پسر کمبوجیه، شاه بزرگ شاهانشان ..... که خانواده‌اش مورد مهر پل و نبو خدایان مورد پرستش مردم بابل، می‌باشد و حکمرانیش به دل آنها نزدیک، هنگامی که من بدون جنگ و با شادی مردم در کاخ پادشاهان بابل به تخت نشستم، مردوک خداوندگار بزرگ، دل‌های مردم نجیب بابل را به سوی من متوجه کرد .... من از خرابی خانه‌ها خودداری کردم، نگذاشتم مردم از هستی ساقط شوند.»<sup>۲</sup> من بیگاری را برانداختم،

۱. ایران باستان، یوزف ویسهوفر، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ص ۹۲.

۲. نقل به مضمون از کتاب ایران در عهد باستان: دکتر محمدجواد مشکور، چ دوم تهران امیرکبیر ۱۳۴۷، استاد دانشسرای عالی ص ۱۷۶ و ایران باستان، یوزف ویسهوفر، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۶۵.

ساکنان پیشین آن شهر را گردآوردم و خانه‌های ایشان را بدانان باز دادم.<sup>۱</sup> در پایان اضافه کنم که در زمان هخامنشیان از زمان کوروش کبیر و فتح بابل بانکداری در ایران رایج شده و چون ایرانیان خود به علت عقاید مذهبی زرتشتی از تجارت پرهیز می‌کردند لذا از دو بانک آن زمان متعلق به بانک پسران اجیبی Egibi از مردم بابل و دیگری بانک متعلق به شخصی به نام موراشی Murashi از مردم نیپور Nipur در بین‌النهرین نامی در تاریخ‌ها آمده این بانک‌ها معاملات رهنی و وصول مال‌التجاره را انجام می‌دادند و انحصارات آبجو و صید ماهی را در اختیار داشته‌اند و امانات مردم را قبول می‌کردند و از عملیات حسابداری و استعمال چک اطلاع داشتند.<sup>۲</sup> لازم است بگوییم که کلمه (چک) کلمه فارسی ایرانی میانه است که به زبان عربی رفته و به نام سُک درآمده و کلمه (تمسک) از آن مشتق شده است.

به هنگام غلبه اسکندر بر داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی و به دستور او کاخ تخت جمشید (پرسپولیس) در آتش سوخت و در نتیجه هزاران لوحه گلی که مربوط به بایگانی سلطنتی در تخت جمشید بود به صورت سفال درآمد. از تأثیر آب و رطوبت محفوظ مانده و در اوائل قرن بیستم میلادی در حفاری‌های تخت جمشید به دست آمد که تا به حال دو هزار قطعه از آنها به کمک متخصصین یکی از دانشگاه‌های آمریکا (شیکاگو) خوانده شده است در این اسناد سفالی بسیاری از روابط اقتصادی و حقوقی زمان هخامنشی آشکار می‌شود. به علاوه در بایگانی‌های مهم معابد اردوک و سیسپار و شرکت‌های بازرگانی خانواده‌های اجیبی و موراشو بسیاری از اسناد حقوقی و اقتصادی باقی مانده‌اند.<sup>۳</sup>

به موجب این الواح گلی که در تخت جمشید کشف شده و به علت آتش‌سوزی زمان اسکندر از نابودی نجات یافته و به دست ما رسیده است یونانیان، لیدی‌ها، مصریان،

۱. ایران باستان، یوزف ویسهوفر، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ۱۳۷۷، ص ۶۵

۲. دکتر محمدجواد مشکور، تاریخ اجتماعی ایران باستان، انتشارات دانشسرای عالی، ۱۳۴۷، ص ۴۰۵.

۳. ایران باستان، یوزف ویسهوفر، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۲۷.

بابلیان، لیکیی‌یانی‌ها، به عنوان کارگران موقت یا دائم در تخت جمشید کار کرده‌اند این کارگران چه به عنوان کارگران ساختمانی برای ساختن تخت جمشید چه در کارگاه‌های سلطنتی و خزانه‌های شاهی و چه به عنوان کارگران - کشاورزی هیچگاه اسیر جنگی یا برده نبودند. بلکه نیروی کار استخدام شده‌ای بودند که مزد دریافت می‌کردند.<sup>۱</sup>

و نیز بر مبنای این متن‌ها سهم ویژه‌ای به مادرائی که تازه زائیده بودند تعلق می‌گرفته است و کسانی که پسر می‌زائیدند از کسانی که دختر به دنیا می‌آوردند بیشتر دریافت می‌کردند این تشویق که بی‌گمان شامل تمام زنان اهالی پارسی نیز می‌شده است در اسناد قدیمی هم ذکر شده است مثلاً هرودوت گزارش می‌دهد ( پس از دلیری در نبرد، مهمترین نشانه مردانگی، پدر خانواده بزرگی بودن است که پسران زیادی داشته باشد، کسانی که پسر بیشتری داشته باشند هر سال هدیه‌ای از شاه دریافت می‌کنند).<sup>۲</sup>

بسیاری از املاک خانواده سلطنتی به وسیله کارگران مزدور و در مقابل دریافت منافع کشت می‌شدند<sup>۳</sup> همچنین یک مقام رسمی به نام GANZA BARA گانزا بار یا خزانه‌دار را در تاریخ می‌شناسیم. که در زیردست او ۱۹ نفر کار می‌کرده‌اند و عده‌ای هم که کارشان ساخت آلات طلا و نقره و لوازم خانه و پارچه‌های تجملی شاه را به عهده داشته‌اند و بنام پیشه‌وران ماهر یاد شده‌اند.<sup>۴</sup>

از لحاظ حقوق اساسی زمان هخامنشی، به ویژه در ابتدای سلطنت کوروش و داریوش می‌توان گفت کوروش همه جا با مغلوبان به محبت و با دشمنان دوستی و مدارا و با صاحبان عقاید و رسوم مخالف با تسامح برخورد می‌کرد و نوعی عدالت به کار می‌برد که مختص حکومت شرقی بود آزادی عقیده و انجام مراسم مذهبی و رعایت احوال شخصیه هر قومی و آزادی وجدان، و امنیت شغلی و امنیت مسکن از وجوه بارز حکومت او بود نمونه‌ای از رفتار کوروش با ملل مغلوب آزادی اسیران یهود و رفتار با احترام نسبت به

۱. همان، ص ۵۶ و ۵۷.

۲. همان، ص ۳ و ۱.

۳. همان، ص ۹۷.

۴. همان، ص ۹۶.

پادشاهان و فرمانروایان مغلوب چون فرستادن پادشاه مغلوب بابل به کرمان و تأمین زندگانی او و رفتار خوبش با پادشاه لیدیه و امثال آن، به طوری که پارسی‌ها کوروش را پدر می‌خواندند یونانی‌ها به چشم پادشاه نمونه و فرمانروانی قانون‌گذار به او نگاه می‌کردند و قوم یهود او را شبان بهوه و مسیح خداوند می‌دانستند عامه مردم در ماد، عیلام او را رتو، لیدیه، بابل و فینیقیه او را نجات‌بخش خود می‌دانستند<sup>۱</sup> باید توجه داشت که وقتی کمبوجیه فرزند و جانشین کوروش از روش حکمرانی مردمی کوروش منحرف شد در فرصتی که پیش آمد و مردمی از طایفه مغان بنام گئوماتای مغ حکومت را در دست گرفت و برای جلب نظر مردم، به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی دست زد و سعی کرد که یک مذهب را بر سراسر امپراتور مسلط گرداند ولی با قیام داریوش و یارانش کشته شد، همه مردم امپراتوری به جز پارسی بر مرگ گئوماتای مغ گریستند<sup>۲</sup> در زمان داریوش برای اینکه ساتراپ‌ها (فرماندهان ایالات) به مردم اجحافی نکنند یک فرمانده محافظ ارگ (ارک‌بد) و یک مدیر مسئول امور مالی (خزانه‌دار) را در ساتراپ‌ها قرار داد که این دو مأمور بلاواسطه با خود شاه مربوط بودند و کارکنان عالی‌رتبه خویش را همه جا مراقب اعمال یکدیگر قرار داد<sup>۳</sup> علاوه بر مأمورین عالی‌رتبه فوق که مراقب هم بودند عده‌ای هم به طور ناشناس به عنوان چشم و گوش شاه در ولایات مراقب هم بودند در خصوص حقوق دیپلماسی در زمان هخامنشیان گویند که داریوش دو نفر سفیر از جانب خود به مرکز و پایتخت اسپارت فرستاد و متأسفانه سفیران داریوش را به قتل رسانیدند ولی همین اسپارتی‌ها برای پوزش‌خواهی از این عمل دو تن از بزرگان خود را نزد خشایارشا فرزند و جانشین داریوش فرستادند و اظهار کردند که حاضرند شاه آنها را به جای فرستادگان مقتول قصاص کنند، اما خشایارشا با متاعت و وقار شایسته جواب داده بود که مایل

۱. روزگاران ایران، گذشته باستانی ایران، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، از انتشارات سخن، چ اول،

۱۳۷۴، صص ۵۳ و ۶۰

۲. گئوماتای مغ، مرحوم دکتر محمدجواد مشکور، مجله آناهد، شماره ۲، مهر ۱۳۸۳، چ تهران، ص ۹۶.

۳. تاریخ مردم ایران، قبل از اسلام، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، امیرکبیر ۱۳۶۴، ص ۱۵۰.

نیست با کشتن فرستادگان اصولی را که در همه دنیا رعایت می‌کند نقض کند.<sup>۱</sup> و هم‌چنین اسپارته‌ها در زمان اردشیر دوم آنتا لسیدایس ANTALCIDES نامی را جهت پیشنهاد صلح نزد او فرستادند. ایران پیشنهاد صلح آنتالسیدایس را پذیرفت<sup>۲</sup> ازدواج با محارم نیز در زمان هخامنشی‌ها حداقل در خانواده سلطنتی و اشراف رواج داشت، ازدواج کمبوجیه با خواهرش، و ازدواج اردشیر دوم با دخترش اتوسا و ازدواج هم او با دختر دیگرش آمستریس را در تاریخ ذکر کرده‌اند، تعدد ازدواج هم در آن زمان مسلم است به طور مثال خود اردشیر دوم دارای ۳۶۰ زن بوده است و ۱۱۵ نفر از اولادان او فقط در زمان حیات پدر فوت شده‌اند<sup>۳</sup> در محاکمات مهم رأی شاه به هر گونه دعوی خاتمه می‌داد، اما محاکمات عادی زیر نظر مغان و دستورانی که عنوان قاضی شاهی داشتند انجام می‌شد و تشریفات ویژه داشت و اگذاری متهم بر حکم ایزدی آزمایش ور - عبور از آتش یا آب - و همچنین بجا آوردن مراسم آتیان سوگند در بعضی از دعاوی معمول بود مجازات‌ها هم گاه با اصل گناه تناسبی نداشت<sup>۴</sup>

بازرگانی را غالباً کاری پست می‌شمردند و بازار را کانون دروغ و فریب می‌دانستند، بازرگانی در میان آنها به اقوام تابع چون بابلی‌ها و یهودی‌ها اختصاص داشت.<sup>۵</sup> سلسله هخامنشی تعداد بسیاری از اقوام عالم را تحت قدرت و لوای واحد درآورد و برای تمام اقوام هم حقوق و اعتبارات مساوی با مسئولیت مشترک تأمین کرد، نظام دادرسی به اتکاء قانون ثابت و غیرقابل انعطاف همراه با نظارت دقیق در استانهای تابع عدالت را در قلمرو امپراتوری به نحوی تعیین می‌کرد<sup>۶</sup> منبع و مستند قضایی، شورای هفت نفره قضات

۱. همان مرجع، ص ۱۶۳.

۲. همان، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۱۹۱.

۴. روزگاران ایران، گذشته باستانی ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب، چ تهران، انتشارات سخن،

۱۳۷۴، ص ۱۱۵.

۵. همان، ص ۱۱۵.

۶. همان، ص ۱۱۶.

شاهی آداب و رسوم قومی و باورها و اعتقادات سنتی و قدیمی اقوام پارسی و ماد و نیز قوانین و فرمانهای شاهی و احکام قضایی نسل‌های گذشته بود<sup>۱</sup> داریوش در روزهای معین برای دادخواهی مردم بارعام می‌داد و به داوری می‌نشست<sup>۲</sup> در زمان کمبوجیه یک نفر قاضی بنام سیسامنس SISAMNES که قاضی سرشناس دولتی متهم به گرفتن رشوه شد، مراتب به شاه گزارش شد، شاه دستور داد مجازات اوزمایا UZMAYA در مورد او اجرا شود یعنی او را به قتل رسانیده پوستش را کنده و بر کرسی قضاوت بچسبانند و فرزند آن قاضی را به جای پدر نشانند، اصولاً در قوانین هخامنشیان پیشه داوری در ساتراپیها و مقام قضاوت در شهرها موروثی بود و پس از هر قاضی که سمت خود را مادام‌العمر داشت پسرش جانشین او می‌شد مگر اینکه آلودگی یک قاضی به فساد و قانون‌شکنی به ثبوت برسد در این مورد نه تنها پسر او نمی‌توانست جانشین او بشود بلکه هیچ یک از بستگان و منسوبین وی نیز نمی‌توانستند وارد خدمات و مشاغل دولتی شوند، افزون بر این مادامی که زنده بودند این قبیل افراد تحت کنترل شدید مأموران دولتی قرار داشتند<sup>۳</sup> در زمان داریوش هم قاضی‌القضات مملکت بنام ویندفرن بیونانی انیتافرانس INTAFRANES به خاطر شکستن قانون داریوش به مصادره اموال و اعدام محکوم شد<sup>۴</sup> در زمان داریوش در محاکمات قضایی به متهم اجازه انتخاب وکیل و معرفی شهود به دادگاه و اقامه دفاعیات با حضور هیأت منصفه داده می‌شد. و هیأت منصفه مرکب از افراد سرشناس جامعه و مورد تأیید دادگاه بودند که به بی‌غرضی و صداقت معروف باشند و حتی در برخی موارد که مجازات اتهام و جرم اعدام بود هیأت دیگری نیز کاملاً محرمانه پرونده متهم را بررسی می‌کردند و چنانچه مورد تأیید قرار می‌گرفت حکم به اجرا درمی‌آمد<sup>۵</sup> و این نوعی دادگاه تجدیدنظر بوده است.

۱. تاریخ حقوق ایران، سیدحسن امین، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. تاریخ ایران باستان هخامنشی‌ها، دکتر اردشیر خدادادیان، چ به‌دید، ۱۳۷۸، ص ۲۶۱، ۲۶۲.

۴. همان ص ۲۶۴.

۵. همان ص ۲۶۸.



باز هم در تاریخها نوشته‌اند که در زمان اردشیر یکم پادشاه هخامنشی تری بازوس نامی TRIBAZOS نایب‌السلطنه ایران در شهر سارد پایتخت لیدیه متهم به حیف و میل اموال دولتی و زد و بند با دشمنان کشور شده بود وی را به دادگاه احضار و در دادگاه بدوی محکوم گردید ولی اردشیر دستور داد دادگاه دیگری مرکب از سه قاضی صاحب نظر و سرشناس دولتی به اتهامات والی رسیدگی کرده دادگاه دوم تری بازوس را از اتهام وارده تبرئه کرد با این وجود اردشیر شخصاً پرونده را رسیدگی کرد و اظهارات و آراء هر سه قاضی را ولی هر کدام به تنهایی و بدون حضور سایر قضات شنید و پس از اینکه فهمید اتهام بی‌مورد بوده است از تری بازوس دلجویی کرد و از وی اعاده حیثیت شد و عاملان این تهمت‌ها به کیفر رسیدند و در مورد دیگری هم اردشیر خود پرونده یکی از شاهزادگان دربار را رسیدگی نموده و پس از اثبات اتهام شاهزاده مزبور محکوم به اعدام شد و حکم در مورد او اجراء گردید.<sup>۱</sup> بیگانگانی که در قلمرو حکومت هخامنشی زندگی می‌کردند تابع قوانین ایران بودند البته کشورهای کوچکی آسیای صغیر که جزو یونان بودند و مصر از این قاعده مستثنی بودند داریوش در سال ۵۲۰ ق.م کاتبان متنفذ و صاحب‌نظر و عالی‌مقام مصری را در شوش به حضور خویش خواند و به آنان چهار سال تا ۵۱۶ ق.م فرصت داد تا مجموعه قوانین مصری را برای او بیاورند تا پس از مطالعه و رایزنی با کارشناسان و صاحب‌نظران اجازه دهد این قوانین برای مصریان به اجرا درآید<sup>۲</sup> و همچنین در عصر اردشیر یکم منشی ویژه‌ای که اشراف بر قوانین یهودیان داشت حضور داشت تا شاه را در جریان مقررات دینی و اجتماعی یهودیان بگذارد که در این مورد لغزش صورت نگیرد.<sup>۳</sup> در خصوص تنظیم اسناد معاملات و تجاری و نقل و انتقال اموال در زمان هخامنشیان بایستی به وجود محل نگهداری آنها یعنی بایگانی‌های چهار گانه آن زمان اشاره نمود بایگانی دژ نپشت DEZ NEPEST در تخت جمشید و گنج شیبیگان

۱. همان مرجع، ص ۲۷۳.

۲. همان ص ۲۶۴.

۳. همان ص ۲۷۷.

GANJ-E-SIPILTAN یا شیزیکان SIZIKAN در آذربایجان و گنجینه اکباتان و گنجینه شوش محل نگهداری از اسناد و کتب بوده‌اند در گنجینه دژ نیست بیشتر کتب مقدس و گنجینه شیپگان محل نگهداری موارث فرهنگی علمی و گنجینه اکباتان محل نگهداری اصل فرمانهای شاهان، یادداشت‌های سیاسی، پیمان‌نامه‌های نظامی و قراردادهای اقتصادی و تجاری تشویق‌نامه‌ها و احکام و ابلاغ‌های نظام و سیاسی و در بایگانی شوش اسناد و مدارک سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی حفظ می‌شده است.<sup>۱</sup>

بازپسین مطلبی که درباره حقوق زمان هخامنشی می‌توان گفت این است که کودکان پارسی را در دادگاهها حاضر می‌کردند تا روند محاکمه خطاکاران را شنیده و به مفهوم راستی و دروغ و کار نیک و بد آشنا شده و کم‌کم از همان دوران کودکی با داد و دادگستری خود گیرند<sup>۲</sup> در آموزش و پرورش دوره هخامنشی آشنایی با قوانین و شیوه اجرایی آن در تمام بخش‌های جامعه از اهمیت ویژه برخوردار بود، در خلال تربیت به جوانان آموخته می‌شد و هدف تقویت روحیه در آنان بود زیرا کسی که دادگر نیست از نظر روحی و جسمی سالم نیست و کاستی‌های روانی و جسمانی یکی از مهمترین موجبات گرایش انسان به ستم و ستمگری است.<sup>۳</sup>

**حقوق زن در دوران هخامنشی:** حق رأی زنان کمتر از یک قرن است که رواج یافته در ایران هخامنشی بانویی به نام آرتمیس فرماندهی نیروی دریایی را به دست می‌گرد حتی پیش از هخامنشی‌ها ارج و احترام زن ایرانی را در فرهنگ زرتشتی می‌یابیم به ویژه آنجا که زرتشت دخترش را آزاد می‌گذارد تا همسر خویش را برگزیند<sup>۴</sup> به نوشته خانم مهرانگیز کار «در نظام حقوقی ایلام» زنان مانند مردان در مقام خواهان یا خوانده دعاوی

۱. همان ص ۴۱۲ و ۴۱۳.

۲. فرانک مرادیان، آموزش و پرورش در ایران عصر هخامنشی، مجله آن‌هاید، شماره ۴، ۱۳۸۳، ص ۹۶، به نقل از گزنفون مورخ یونانی.

۳. همان مأخذ، ص ۹۶.

۴. امید عطائی‌فرد، بازشناسی تاریخ و فرهنگ ایران باستان، مجله آن‌هاید، شماره نخست، مرداد ماه

۱۳۸۳، ص ۴۸.

قرار می‌گرفتند و به عنوان شهود در جریان دادرسی قرار می‌گرفتند، مانند مردان قبول تعهد می‌کردند وصیت‌نامه‌هایی که بر الواح به دست آمده نشان می‌دهد که حقوق زن رعایت می‌شده، در یک لوح پدری در حال مرگ ثروت خود را به طور مساوی میان فرزندان تقسیم می‌کند و نام دخترش را اول ذکر می‌کند، عبارت «با اراده خود عمل می‌کند» معمولاً به صورت تأکیدی بر تعهدنامه‌ها نقش بسته و این عبارت به ویژه در افراز کردن، هبه کردن و حل و فصل اختلافات از طرفین ذکر می‌شده است در هیچ سند ایلامی به سپردن موجودات انسان یا برده یا فردی از افراد خانواده بدهکار به عنوان وثیقه وام بر نمی‌خوریم<sup>۱</sup> احکام داریوش از سواحل علیای نیل تا دره سند نافذ بود، فرمانروایی او تا قلب آسیای مرکزی و اروپای جنوبی گسترش یافت نظام اداره سرزمین‌های بدین وسعت متکی بر ضوابط معقول بود و شاهد قابلیت دوام آن حکومت عادلانه‌ای و عاقلانه بود.<sup>۲</sup>

در پایان این بحث گفتنی است که افکار دموکراسی (حکومت مردم بر مردم) که عده تصور می‌کنند خاستگاه آن یونان باستان است در زمان هخامنشی‌ها مطرح بوده و ایرانیان با آن آشنایی داشته‌اند در تاریخ هرودوت نوشته شده است هنگامی که ۷ نفر پارسی به سرکردگی داریوش موفق به کشتن حاکم غاصب (کتوماتای مغ) شدند برای تعیین نوع حکومت آینده به شور پرداختند یکی از آنها بنام اتانس پیشنهاد حکومت مردم بر مردم کرد یعنی حاکم را مردم انتخاب کنند نفر دوم مگابیز عقیده به اولیگارشسی داشت یعنی حکومت عده کمی از برگزیدگان و نفر سوم داریوش پس از برشمردن سود و زیان هر کدام از دو حکومت پیشنهاد حکومت سلطنتی را مطرح کرد و چون چهار نفر دیگر با رأی او موافقت کردند لذا به ادامه حکومت سلطنتی تصمیم گرفتند.<sup>۳</sup>

**تاریخ حقوق ایران بعد از برافتادن هخامنشیان:** پادشاهان سلسله هخامنشی در

۱. مأخذ پیشین، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. نخستین پیشنهاد حکومت مردمی در ایران کهن، عبدالرفیع حقیقت (رفیع) مجله آناهید، شماره دوم سال نخست سال ۱۳۸۳، ص ۳ و ۴.

سال ۳۳۰ ق میلاد با کشته شدن داریوش سوم در جنگ با اسکندر مقدونی از صحنه تاریخ ایران برفتادند - پس از تسلط اسکندر به ایران بعضی از بزرگ مالکان و فرماندهان و ساتراپی‌ها مانند ساتراپی گرگان (هیرکانیا)، بدون جنگ تسلیم شدند و مقامات خود را در زمان تسلط اسکندر حفظ کردند حتی یکی از ساتراپهای ایران (فرماندار بلخ)، بنا به روایتی داریوش سوم را به قتل رسانید همانند واقعه‌ای که پس از حمله اعراب آخرین شاه ساسانی را هم فرماندار مرو به کمک آسیابان به قتل رسانید.

اسکندر برای حفظ و استمرار حکومتش نه تنها خودش با دختر داریوش سوم ازدواج کرد بلکه دستور داد ده هزار نفر از سپاهیان با دختران ایرانی ازدواج نمودند مقصود اسکندر این بود که با پیدا شدن نسل دوم از ایرانیان که از پدر یونانی و از مادر ایرانی باشند یونانیان بتوانند به راحتی در ایران حکومت کنند.<sup>۱</sup> بدینگونه در طول فرمانروایی اسکندر و جانشینانش (سلوکی‌ها) قوانین و مقررات دولت هخامنشی کمابیش در کشور جاری بود ولی تأثیر حقوقی یونان در زمان جانشینان اسکندر و پس از آن در زمان اشکانیان آشکار شد و بعضی از اسناد رهنی و غیره از این زمان باقی است که به زبان یونانی نوشته شده و یا اصطلاحات یونانی در آنها به کار رفته است<sup>۲</sup> از جمله تأثیرات یونانی، تشکیل شوراهای شهر با شرکت مردم - و شورای ملی دموکراتیک می‌باشد که قبل از حکومت اسکندر در ایران سابقه نداشت و بعضی از شهرها مانند دورا اوروپوس در ساحل فرات دارای دولت شهر و حکومت خودمختار بوده که در آنها دادگاه‌های عدالت تشکیل می‌شدند و داوران و قاضی‌ها با انتخاب مستقیم مردم برگزیده می‌شدند<sup>۳</sup> ولی این وضع دیری نپایید. در زمان سلوکی‌ها منابع مهم تولید ثروت در انحصار دولت مرکزی قرار گرفت و مالیات‌های گوناگون برقرار گردید مانند مالیات‌های سرانه، مسکونی، احشام و حتی مالیات بر عروسی و تولد و مرگ و نخستین بار مسأله آمارگیری برای اخذ مالیات‌ها

۱. تاریخ حقوق ایران، سیدحسن امین، ص ۱۰۱.

۲. قباله‌نویسی در ایران، مؤلف ص ۱۲۸، قباله اورامان و دورا اوروپوس.

۳. تاریخ حقوق ایران، سیدحسن امین، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

به وجود آمد<sup>۱</sup> حکومت از نظر اسکندر و سلوکی‌ها با نظریه حقوق منشاء الهی ایرانیان ترکیب شد و اسکندر به محض قدم گذاشتن به خاک آسیا خود را پسر خدا نامید و ملوک الطوایفی را که قبل از هخامنشی‌ها در ایران رایج بود تحکیم کرد و سلوکی‌ها هم خود را برابر Zeus و آپولون Apolon خدایان یونانی تلقی کردند. و برای خود معابد و مجسمه‌ها ساختند در زمان سلوکی‌ها آنها ابتدا خواستند حکومت مرکزی مقتدر به وجود آورند ولی با مخالفت شدید ایرانی‌ها مواجه شدند از جمله قیام پارتی‌ها که دارای حکومت ملوک الطوایفی بوده باعث انهدام سلطنت سلوکی‌ها شد دولت سلوکی به ۷۲ ایالت تقسیم شده بود ولی فقط ۱۸ ایالت از ۷۲ ایالت غربی دولت هخامنشی را شامل بود سلوکیان هم استانداری خود را ساتراپی می‌خواندند که لفظ یونانی شده خستراپاوان یا شهریان ایرانی است مقاماتی مانند استراتگ Strategh و ارکبُد یا قلعه بیگی را فروراک PHRAURAGUE می‌نامیدند امور مالی توسط مأمور مخصوصی که (اکونوم) خوانده می‌شد اداره می‌گشت، پادشاه سلوکی در رأس کشور قرار داشت و نزدیکترین اطرافیان شاه خویشان و دوستان او بودند. زمین‌های واقع در ایالات به دو نوع اداره می‌شد یکی خالصه‌ها که توسط مأمورین دولت اداره می‌شد و سکنه آن حق جابجایی نداشتند و نوع دیگر زمین‌هایی بود که در دست حکام و پادشاهان محلی بود و توسط رعایا یا بردگان اداره می‌شد.<sup>۲</sup>

با استمرار حکومت جدید سلوکی انقلابی در وضع اقتصادی پدید آمد، افزایش مشاغل در این زمان، باعث بهبود شرایط کار و احتیاج به سرمایه بیشتر شد نوع فعالیت کارگران به صنایع و محصولات گرایش یافت که در بازارهای جهانی خواستار داشت - روی هم رفته کارگران به رفاهی رسیدند که تا آن زمان کمتر سابقه داشت جهان را بهتر شناختند و توجهشان به خارج از کشورشان معطوف گشت مخصوصاً این توجه به غرب بود.<sup>۳</sup>

۱. تاریخ حقوق ایران، سیدحسن امین، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۲. دکتر محمدجواد مشکور، تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، صص ۱۳ و ۱۴.

۳. تاریخ و شرایط کار در ایران، صص ۴۱ و ۵۰.

در این زمان بیشتر ایرانیان شهروندانی بودند که می‌توانستند از حقوق مدنی کامل برخوردار شوند. از خرید و فروش دارایی غیرمنقول برخوردار بودند. در پرستش و امور دینی خود آزاد بودند خانواده یا دودگ «به معنی دود که به اجاق خانواده اشاره دارد» واحد اصلی جامعه بود، خانواده پدرسالار پدرتبار و چند زن‌گزینی، مبنی بر زناشویی و دارای جایگاه مشترک خانوادگی در کنار آتشکده خانواده و فعالیت‌های مشترک بود ولی پیرمردان یا پدران خانواده دارای قدرت کامل بودند زنان و کودکان تابع و زیردست آنها بودند<sup>۱</sup> اسکندر گنجینه هخامنشیان را که به صورت سرمایه مرده درآمده بود به کار انداخت و در سرزمین‌های تصرف شده راه‌های بازرگانی و شهرهای مهم به وجود آورد و هزاران یونانی به امید نفع به ممالک ایرانی روی آوردند و توسعه مبادلات بازرگانی بین یونان و ایران بر نفوذ زبان و هنر یونانی در ایران کمک کرد. همه مرافعات و اختلافات بین ایرانیان و یونانیان توسط قضات یونانی و طبق قوانین مدنی یونان حل و فصل می‌شد از نظر ملت تغییر سلسله‌ها مفهومی جز تغییر حاکمان نداشت مراودات تجاری و اجتماعی ایرانیان و یونان باعث شد که قسمتی از شهرنشین‌های ایرانی به زبان یونانی آشنا گردند و آن را در میان خودشان هم به کار ببرند<sup>۲</sup>

در نظام کشورداری، سلوکیان ابتدا از داریوش یکم پیروی می‌کردند ولی بعدها ناگزیر شدند که به شیوه کشورداری کوروش کبیر بنیان‌گذار سلسله هخامنشی عمل کنند این شیوه به ملوک‌الطوایفی بیشتر نزدیک است ولی تقلید سلوکیان از کشورداری هخامنشی ناموفق و موقتی بود در شرق ایران (باکتريا یا باختر) = بلخ اشراف مالک زمین‌های بزرگ بودند و در قصرهای خود اقامت داشتند و املاک خود را اداره می‌کردند.<sup>۳</sup> از لحاظ احوال شخصی در بین مقدونیان (اسکندر) و سلوکیان (جانشینان اسکندر) مشابهتی با ایرانیان

۱. تاریخ ایران، دانشگاه کامبریج، ترجمه حسن انوشه ج ۳، قسمت اول، ص ۴۲ و ۴۵ چ امیرکبیر، تهران ۱۳۶۸.

۲. سیر قانون و دادگستری در ایران، مرتضی راوندی نشر چشمه، کتابسرای بابک تهران ۱۳۶۸.

۳. تاریخ ایران باستان، سلوکیان، دکتر اردشیر خدادادیان، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

مشاهده می‌شود آنان هم با تعدد زوجات و ازدواج با محارم ( خیلی بیش از ایرانیان) عادت داشتند حتی ازدواج با محارم را مقدس و محترم می‌داشتند. بطلمیوس فیلاذلف یونانی<sup>۱</sup> با خواهر خود و آنتیوخوس اول سلوکی ملقب به سوتر با خواهر خود ستراتونیس<sup>۲</sup> ازدواج کرده‌اند از طرفی پادشاهان مقدونی و سلوکی کوشیده‌اند که با وصلت با خاندانهای شاهی، اشرافی و بزرگان ایرانی دارای فره ایزدی بشوند که در نزد ایرانیان اساسی‌ترین شرط سلطنت بر ایرانیان بوده است.<sup>۳</sup>

**حقوق مالیاتی:** برای اولین بار در تاریخ، داریوش کبیر مالیات‌ها را منظم نمود و میزان آن را برای هر ناحیه از کشور تعیین کرد، قبل از آن به دریافت تحف و هدایا اکتفاء می‌شد، از زمان سلوکیان مالیات گمرکی هم اضافه شد مالیات‌های مستقیم خراگ یا خراج یعنی مالیات ارضی و پس از آن مالیات سرانه یعنی گزیت (جزیه) بود به علاوه آئین یا هدایا هم مرسوم بود و به این ترتیب مالیات جنسی نیز وصول می‌شد مالیات غیرمستقیم منحصر به حقوق گمرکی می‌شد مالیات در زمان هخامنشیان مالیات توزیعی بود و مبلغ کل مالیات کشور بین نواحی مختلف مملکت تقسیم می‌شد سهم هر ناحیه به طور مشخص معین می‌شد تنها استان پارس از پرداخت مالیات معاف بود<sup>۴</sup> مالیات‌ها در دفاتری به نام قانون ثبت می‌شد وضع مالیات با تصویب قضات به عمل می‌آمد مردم حق اعتراض به میزان مالیات داشتند و دادرسان موظف بودند به شکایت آنان رسیدگی نمایند، پلوتارک

1. PTOLEMYPHILADEL PHUS.

2. STRATONIS.

۳. تاریخ ایران باستان، سلوکیان، ص ۱۹۴.

۴. بیست و پنج سده مالیات، عنایت‌اله شاپوریان، تهران ۱۳۵۰، صص ۶۳۵ و ۶۳۶.

نوشته است پس از اینکه داریوش مقدار مالیات‌های نقدی و جنسی را معین کرد درصدد تحقیق برآمد که ببیند پرداخت آن مقدار مالیات برای مردم امکان دارد یا تحمیل بر آنها خواهد بود چون پاسخ شنید که مالیات‌ها در حدود امکانات مردم است سپس دستور داد همان مالیات‌های معین را به نصف تقلیل دادند.<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی